

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

گفتگوهای پس از انقلاب

گفتگوهای فکری تخصصی ... و گفتگوهای کوتاه

گفتگوهای تخصصی با دکتر سمیر ابوزید (مصر)، دکتر نصر عارف (مصر)، دکتر مصطفی محسن (مراکش)، دکتر محمود ذوادی (تونس)، دکتر یحیی پدپاوی (مراکش) و دکتر حسن مکی (سودان).
گفتگوهای کوتاه با ابوزید قمری ادریسی (مراکش)، احمد صوبان (عربستان)، اومیر و مارکونی پیر (ایتالیا)، پاتریک هانی (سوئیس)، دکتر جاسم سلطان (قطر)، دکتر جعفر شیخ ادریسی (سودان)، راشد غنوشی (تونس)، دکتر ساری حنفی (فلسطین)، دکتر سعیدالدین عثمانی (مراکش)، دکتر سمیر بودینار (مراکش)، دکتر عبدالسلام عبادی (اردن)، دکتر عمار طالبی (الجزایر)، دکتر محسن صالح (فلسطین)

مترجمان

مهدی عوض پور

مصطفی اسماعیلی



دانشگاه امام صادق

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir

گفتگوهای پس از انقلاب ■ تألیف: جمعی از نویسندگان ■ مترجمان: مهدی عوض پور - مصطفی اسماعیلی
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۹۳ ■ قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۳-۳۶۹

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

عنوان قراردادی: حواریات ما بعد الثورة: حواریات فکریه متخصصه ... و اخری قصیره .
فارسی
عنوان و نام پدیدآور: گفتگوهای پس از انقلاب: گفتگوهای فکری تخصصی... و
گفتگوهای کوتاه... / مرکز نماء للبحوث و الدراسات: مترجمان مهدی عوض پور،
مصطفی اسماعیلی،
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۲۱۲ص.
شابک: ۳-۳۶۹-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: بهار عربی، ۲۰۱۰ م.
موضوع: سیاستمداران - کشورهای اسلامی -- مصاحبه‌ها
موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- تاثیر بر کشورهای اسلامی
شناسه افزوده: عوض پور، مهدی، ۱۳۶۵ - مترجم
شناسه افزوده: اسماعیلی، مصطفی، ۱۳۶۶ - مترجم
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شناسه افزوده: مرکز نماء للبحوث و الدراسات
ردمبندی کنگره: ۱۳۹۳ ۴۰۴۱ ۹/ع ۱/۶۳ DS
رده بندی دیویی: ۰۹۷۴۹۲۷۰۸۳۱۲/۹۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۴۱۰۲۹۲

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۹
پیشگفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
مقدمه مرکز.....	۱۹
بخش اول: گفتگوی پس از انقلاب.....	۲۳
فصل ۱. انقلاب‌های عربی... پرسش خیزش: گفتگو با اندیشمند و فیلسوف دکتر سمیر ابوزید.....	۲۵
مقدمه گفتگو.....	۲۵
انقلاب‌های عربی و تفکر دوباره در طرح خیزش.....	۲۹
انقلاب‌های عربی و بازسازی جهان اندیشه‌ها.....	۳۴
رابطه میان تحولات جهان عرب و ابزارهای ارتباطی جدید.....	۳۶
مفهوم انقلاب‌ها... خارج از چارچوب برنامه‌ریزی استراتژیک و الگوی غربی.....	۳۷
انقلاب‌های عربی... گذار از ایدئولوژی.....	۴۱
انقلاب‌های عربی... گذار از تفکر فلسفی غرب.....	۴۳
آیا انقلاب‌های عربی در ایجاد یک خیزش جدید موفق خواهند شد؟.....	۴۴

فصل ۲. انقلاب‌های عربی از منظر تمدنی: گفتگو با دکتر نصر عارف متخصص	
علوم سیاسی	۴۹
مقدمه گفتگو	۴۹
فهم ساختارهای اجتماعی، سیاسی و تمدنی انقلاب‌ها	۵۲
انقلاب‌های عربی... و مفهوم دولت مدرن	۶۲
روند انقلاب‌ها و آینده آن	۶۶
انقلاب... در ماندگاری نخبگان و دیالکتیک قدرت و جامعه	۷۰
دستاورد‌های انقلاب در رویارویی با این چالش‌ها	۷۵
سناریوهای احتمالی دوره پس از انقلاب	۷۸
فصل ۳. تأملات جامعه‌شناختی در انقلاب‌های بهار عربی: گفتگو با مصطفی محسن، جامعه‌شناس مراکشی	۷۹
مقدمه گفتگو	۷۹
بیانیه‌ای برای جامعه‌شناسان عرب	۸۱
مقدمات نظری در علوم اجتماعی برای فهم بهار عربی	۸۳
علل انقلاب‌های عربی از دیدگاه علوم اجتماعی	۸۶
انقلاب‌های عربی... و تجربه انقلابی غربی	۹۱
انقلاب‌های عربی، شکست طرح‌های توسعه	۹۳
انقلاب... و مسأله نظام آموزشی	۹۶
انقلاب‌های عربی و گذار به دموکراسی	۱۰۱
علوم اجتماعی و انقلاب‌های عربی کنونی: اهمیت، نقش و مقدمات تحلیل این انقلاب‌ها	۱۰۳
نتایج انقلاب‌های عربی... قدرت‌یابی جنبش‌های اسلامی	۱۰۶
سناریوهای آینده و تأثیرات انقلاب‌ها بر طرح خیزش عربی	۱۰۸
فصل ۴. انقلاب‌ها و رسانه‌های جدید، گفتگو با کارشناس و متخصص علوم رسانه‌ای؛ دکتر یحیی یحیوی	۱۱۳
مقدمه گفتگو	۱۱۳
به‌عنوان مقدمه	۱۱۵
جایگاه کارشناسان رسانه در آینده انقلاب‌ها	۱۱۶

فهرست مطالب ۷۳

۱۱۸.....	رسانه‌های جدید... جدال نقش واقعی در انقلاب‌ها
۱۲۳.....	رسانه‌های جدید... و امکان محاصره
۱۲۴.....	رسانه‌های جدید... دگرگونی ارزش‌ها و مفاهیم
فصل ۵. انقلاب‌های عربی در معنای جامعه‌شناسی فرهنگی، گفتگو با دکتر محمود ذوادی، جامعه‌شناس تونس	۱۲۷.....
مقدمه گفتگو	۱۲۷.....
مقدمه	۱۲۸.....
انقلاب... در مفهوم جامعه‌شناسی فرهنگی	۱۳۰.....
درگیری هویت و زبان در جامعه پس از انقلاب	۱۳۱.....
انقلاب... و نیاز به انقلاب فرهنگی	۱۳۴.....
فصل ۶. انقلاب‌های عربی از دیدگاه جنبش اسلامی، گفتگو با دکتر حسن مکی، اندیشمند سودانی و رئیس دانشگاه «خارطوم»	۱۳۹.....
مقدمه گفتگو	۱۳۹.....
انقلاب‌های عربی و نقش جنبش‌های اسلامی	۱۴۰.....
نقش تکنولوژی‌های جدید در ایجاد انقلاب‌ها	۱۴۴.....
سوریه و قیام‌های عربی... پرسش حال و آینده	۱۴۶.....
انقلاب‌های عربی و نگرانی از مداخله خارجی	۱۴۷.....
بخش دوم: گفتگوهای کوتاه: دلایل انقلاب‌ها / مسأله قابل توجه در انقلاب‌ها	۱۵۱.....
فصل ۷. ابوزید قمری ادریسی متفکر اسلامی و عضو پارلمان مراکش	۱۵۳.....
فصل ۸. شیخ احمد صویان رئیس انجمن جهانی مطبوعات	۱۵۷.....
فصل ۹. اومیرو مارکونی پیرا پژوهشگر ایتالیایی، کارشناس علوم سیاسی	۱۵۹.....
فصل ۱۰. پاتریک هانی پژوهشگر سوئیسی و متخصص جامعه‌شناسی	۱۶۱.....
فصل ۱۱. دکتر جاسم سلطان ناظر کل بر طرح خیزش	۱۶۵.....
فصل ۱۲. دکتر جعفر شیخ ادریس رئیس هیئت امنای دانشگاه آزاد آمریکایی	۱۶۹.....
فصل ۱۳. راشد غنوشی رهبر جنبش النهضة تونس	۱۷۳.....
فصل ۱۴. دکتر ساری حنفی عضو کمیته اجرایی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی	۱۷۷.....

فصل ۱۵. دکتر سعدالدین عثمانی وزیر امور خارجه مراکش و رئیس شورای ملی حزب عدالت و توسعه.....	۱۸۱
فصل ۱۶. دکتر سمیر بودینار رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های انسانی و اجتماعی وجده.....	۱۸۵
فصل ۱۷. دکتر عبدالسلام عبادی وزیر اوقاف اسبق اردن.....	۱۸۹
فصل ۱۸. دکتر عمار طالبی نایب رئیس انجمن علمای مسلمین.....	۱۹۵
فصل ۱۹. دکتر محسن صالح اندیشمند فلسطینی و رئیس مرکز زیتونه.....	۱۹۹
فصل ۲۰. دکتر نصر عارف متخصص علوم سیاسی.....	۲۰۳
نمایه.....	۲۰۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَّبِعُوا فِيهِ كِبْرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ
(قرآن کریم، سوره مبارکه الشوری (۴۲)، آیه شریفه (۱۳))

سخن ناشر

اسلام از آن حیث که دینی جامع و کامل است و مبتنی بر فطرت پاک به ودیعه نهاده شده از سوی حضرت حق تعالی در نهاد تمامی آدمیان می باشد؛ دارای جذابیت و اصالتی است که در نهایت خواهد توانست بر تمامی تاریکی ها و حجاب ها فائق آید. به همین خاطر است که خداوند متعال، ندای اسلام را برای مشرکان بسیار سنگین و غیر قابل تحمل می خواند. به عبارت دیگر، سلامت، عقلانیت، رضایت مندی و سعادت که از ناحیه حاکمیت کلام الهی حاصل می آید، چنان است که تمامی عقول سلیم را به خود جذب می نماید و این معنای مشخص بیداری اسلامی است که مرزهای مختلف جغرافیایی را در هم نوردیده و امت های مسلمان و غیر از آنها را تحت تأثیر قرار می دهد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام در راستای انجام رسالت علمی - کاربردی خویش در ارتباط با موضوعات جاری در جامعه اسلامی و جهانی، و با عنایت به حساسیت های تئوریک «بیداری اسلامی» در عرصه علم و نظر، نسبت به فعال سازی دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی در حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام اقدام نموده تا با استفاده از مجموع

توان علمی - تحلیلی موجود در دانشگاه و سایر مؤسسات و مراکز علمی - پژوهشی؛ رویکردی تحلیلی نسبت به این موضوع را طرح، پیگیری و توسعه دهد. نتیجه این اقدام، تهیه و عرضه متون کارشناسی‌ای در قالب گفت‌وگو، مجموعه مقالات و آثار پژوهشی است که هم اکنون خدمت علاقه‌مندان نمونه‌ای از آن تقدیم شده است.

معاونت پژوهشی دانشگاه ضمن تشکر از مدیریت متمرکز دبیرخانه و مشارکت فعال اساتید، دانشجویان و محققان در این حوزه، از تمامی پژوهشگران فعال در این زمینه تقاضا دارد با ارائه نظرات اصلاحی و یا متون تحقیقاتی‌شان جهت نشر از سوی دانشگاه، ما را در تحلیل هر چه بهتر و جامع‌تر پدیده بیداری اسلامی و غنی‌سازی مفهومی و نظری موضوع یاری رسانند. امید آن که از این طریق شاهد همکاری مؤثر و مستمر دو حوزه عملی و نظری در راستای تقویت جریان بیداری اسلامی و توسعه آن در گستره جهانی باشیم، ان شاء الله.

و لله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ
بِالْبَيْتِ حِكْمَةٌ يَتَفَكَّرُونَ فِي آيَاتِهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ رَبِّهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ
وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يَنبَغِي
(قرآن کریم، سوره مبارکه الحادید، آیه شریفه ۱۶)

پیشگفتار

بررسی تحلیلی تاریخ تحول جوامع بشری حکایت از آن دارد که مکتب اسلام به دلیل اصالت ذاتی و حقانیتی که از ناحیه شارع برای آن قرار داده شده است، پیوسته مورد اقبال و توجه عقول سلیم و قلوب پاک بوده است. با این حال، ذرّ گران مایه نزد مسلمانان چنان که شایسته و بایسته بوده، پاس داشته نشده و لذا شاهد برخی از غفلت‌ها، انحراف‌ها و یا جهالت‌ها در موضوع التزام به اصول اسلامی و دعوت به آن بوده‌ایم. آنچه این وضعیت نامطلوب را نقد و اصلاح نموده، لطف الهی و اراده مردان و زنان مؤمنی بوده که توانسته خیزش‌های رهایی‌بخش و نهضت‌های اصلاحی را با هدف بازگشت به اسلام پدید آورد. بیداری اسلامی را می‌توان نظریه‌ای جامع و کاربردی در این زمینه ارزیابی نموده که دو ساحت نظر و عمل را در حیات انسان تحت تأثیر قرار داده است.

با عنایت به ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های نظریه «بیداری اسلامی» - از یک سو - و حساسیت‌ها و پیامدهای قابل توجه عملی آن - از سوی دیگر - دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی با هدف: اولاً- شناخت و تحلیل تحولات جاری در منطقه؛ ثانیاً- گمانه زنی و سناریوپردازی در خصوص آینده

تحولات منطقه‌ای و جهانی؛ و بالاخره: ارایه راهبردها و راه‌کارهای مناسب برای مدیریت بیداری اسلامی جهت نیل به اهداف عالی آن در آینده؛ تأسیس گردید. دبیرخانه ضمن تشکر از تمام اساتید، دانشجویان و محققانی که ما را در انجام این مهم و تحقق اهداف بیان شده، یاری نموده‌اند؛ از تمام کارشناسان و پژوهشگران تقاضا دارد با ارسال نظرات و آثار خود ما را در این راه دشوار علمی یاری رسانند. برای این منظور دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی^۱ آماده دریافت و نشر سایر آثار تکمیلی و اصلاحی می‌باشد.

دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی

۱. نشانی دبیرخانه: تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ساختمان جدید، طبقه پنجم، معاونت پژوهشی، دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، و در دهه هفتاد و هشتاد قرن گذشته میلادی، موج بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای مسلمان به راه افتاد، اما حاکمان استبدادی با حمایت قدرت‌های استعماری و سلطه‌جو سرکوب و کشتار وحشیانه‌ای علیه جنبش‌های اسلامی و مردم خواهان اسلام به راه انداختند و موفق شدند این موج را برای مدتی مهار کنند. اما این سیاست چندان دوام نیاورد و مردم مسلمان این بار با فرو ریختن دیوار ترس و با الهام از اسلام - اسلام مبارزه طلب نه اسلام محافظه‌کار - به مبارزه همه‌جانبه و فراگیر علیه استبداد داخلی و مداخله خارجی پرداختند. این موج که از تونس شروع شد و دومینووار به مصر، لیبی و یمن و بحرین و بسیاری از کشورهای دیگر عربی کشیده شد، تاکنون چندین حاکم خودکامه و سرسپرده را در خود فرو برده است و به احتمال زیاد در آینده‌ای دور یا نزدیک، قربانیان دیگری از حاکمان مستبد منطقه خواهد گرفت.

عنصر اسلام بدون تردید در وقوع انقلاب‌های عربی نقش بسیار مهم و حیاتی داشته‌است، به‌عنوان نمونه پافشاری دو نظام تونس و مصر در ریشه‌کن کردن هویت عربی و اسلامی از کشور و اعلان جنگ علیه اسلام در تمامی حوزه‌های زندگی یکی از علل اصلی وقوع انقلاب‌های مردمی علیه

«بن علی» و «مبارک» و سرنگونی نظام‌های استبدادی این دو کشور بوده است. در تونس زمانی که «حبيب بورقبيه» اولین رئیس جمهور تونس پس از استقلال این کشور، حکومت را به دست گرفت، با صدور برخی قوانین تلاش کرد تا جامعه تونس را براساس الگوی فرانسه بنا نهد. به همین خاطر صدور قوانین مخالف اسلام از همان زمان آغاز شد. در ابتدا قانون منع تعدد زوجات تصویب شد. بورقبيه هم‌چنین به زنان این اجازه را داد که بدون اجازه همسرشان جنین خود را سقط نمایند و یا سن ازدواج مردان به بیست سال و دختران به هفده سال افزایش یافت و به زنان تونسی این اجازه داده شد که با هر فرد غیرمسلمانی که بخواهند، ازدواج کنند. بورقبيه هم‌چنین خواستار تحریم روزه بر مردم تونس حتی در ماه مبارک رمضان شد، چراکه وی مدعی شد روزه تولید را کاهش داده و مانع از پیشرفت و توسعه کشور می‌شود!

این محدودیت‌ها علیه اسلام در دوران بن علی با شدت بیشتری تداوم یافت؛ به گونه‌ای که نظام استبدادی حاکم در تونس حتی بر نماز هم محدودیت‌های سنگینی اعمال کرده و آن را به مثابه جنایتی دانست که مستحق مجازات است. اقامه نماز در مساجد تنها با داشتن کارت هوشمند برای هر نمازگزار امکان داشت که با آن تنها می‌توانستند در یک مسجد معین نماز به جا بیاورند. هم‌چنین نظام حاکم به‌جای روز جمعه روز یکشنبه را به‌عنوان تعطیلی رسمی هفتگی اعلام کرد و بدین ترتیب شهروندان مسلمان تونسی را برای اقامه نماز جمعه در تنگنا قرار داد. مدارس و دانشگاه‌ها با بهانه لزوم داشتن دیدی باز نسبت به تمدن‌ها و ادیان دیگر، شروع به تدریس «تورات و انجیل» به دانش‌آموزان مسلمان کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به راه افتادن موج بیدار اسلامی در منطقه، بورقبيه رئیس جمهور وقت تونس در سال ۱۹۸۱ با صدور قانونی حجاب را پوششی فرقه‌ای دانست و مقامات دولتی با انتشار فرمانی از ائمه مساجد خواستند تا زنان را تشویق به خلع حجاب کنند. پلیس نیز زنان

محجبه را در خیابان تحت پیگرد قرار داد و این زنان از مشاغل دولتی محروم شدند و شوهران و پدران در صورت وجود زنان محجبه در منزلشان مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گرفتند، بلکه حتی زایمان زن محجبه در بیمارستان‌های دولتی ممنوع شد!

در دوران بن‌علی قانون دیگری به قوانین قبلی اضافه شد و مفاد آن این بود که دختران تنها با موهای برهنه می‌توانند وارد دانشگاه شوند در غیر این صورت حق ورود به دانشگاه را ندارند. یا دانشجویان پسر نیز حق نداشتند در دانشگاه ریش بگذارند.

اما اکنون پس از سرنگونی نظام بن‌علی، اغلب جوانان راه دین‌داری را در پیش گرفته‌اند و این به عطش شدید آنان نسبت به دین و خلأ روحی برمی‌گردد که نظام حاکم چندین سال تلاش کرده بود سرچشمه‌های دین‌داری را در این کشور بخشکاند. به محض سرنگونی نظام بن‌علی، مساجد در تمامی نمازهای پنجگانه پر از نمازگزاران شده و حجاب به شکل عجیبی گسترش یافته و مظاهر دینداری خیابان‌های تونس را فرا گرفته است. در عرصه سیاسی نیز نتیجه انتخابات پارلمانی تونس در سال ۲۰۱۱، در حالی که نفع اسلام‌گرایان رقم خورد که حزب النهضة یک حزب غیرقانونی بود و برای چندین دهه، حضوری عملی از طریق تشکیلات و سازمان‌های حزبی در عرصه سیاسی نداشت و بسیاری از رهبران آن در تبعید و یا زندان به سر می‌بردند، لذا به دست آوردن اکثریت کرسی‌ها و پیروزی چشمگیر اسلام‌گرایان بسیار شگفت‌آور بود. به نظر می‌رسد این اسلام فطری که در اعماق قلوب تونسی‌ها ریشه دوانیده، و آنان را برای قیام علیه نظام بن‌علی تشویق کرد، عامل اصلی گرایش مردم به اسلام‌گرایان است.

اما در مصر همان‌گونه که محمد عماره اندیشمند اسلامی برجسته مصری در کتاب جدید خود با عنوان «انقلاب مصر» بیان می‌کند، در طول سه دهه که نظام حسنی مبارک (۱۹۸۱-۲۰۱۱م) قدرت را در اختیار داشت، «تروریسم» - که تعریف درستی از آن صورت نگرفته بود - را با «اسلام»

یکی دانستند و حتی کتاب‌های اسلامی را از کتابخانه‌های مدارس جمع کردند و برخی را نیز در آتش سوزاندند. پس از آنکه مصر در سال ۱۹۶۰م، فراماسونری را لغو و جلسات آن را تعطیل کرد، بار دیگر در نظام گذشته باشگاه‌های «روتاری» و «لیونز» - که جایگزین فراماسونری بودند- با حمایت مستقیم «سوزان مبارک» همسر رئیس جمهور و برادرش، به شکل اختاپوسی در مصر گسترش یافت. برادر همسر رئیس جمهور کسی بود که قصرش در شب میلاد حضرت مسیح(ع) - در کریسمس- به گونه‌ای نورباران می‌شد که گویی در واتیکان به سر می‌برد! این باشگاه‌های مشکوک، بخش‌های گسترده‌ای از نخبگان مصری در عرصه‌های فرهنگی، رسانه‌ای، مدیریتی و تجاری را به خود جذب کرده بود.

در دوره نظام حسنی مبارک، سکولارهای افراطی و متعصب که عزمشان را برای مقابله با رویکرد دینی از طریق اوهمات مادی برملا ساخته بودند، بر عرصه فرهنگ تسلط کاملی داشتند و جوایز اهدایی دولت می‌رفت که کلاً وقف مارکسیست‌ها و شبه بی‌دینان و سکولارهای افراطی شود.

محمد عماره ادامه می‌دهد: در تاریخ اسلامی مصر برای اولین بار، «پدیده بی‌دینی و الحاد» ظهور پیدا کرد. حکومت نیز، از چهره‌ها و شخصیت‌های این پدیده حمایت می‌کرد و کرسی‌ها و کلاس‌های درس دانشگاهی را در اختیار آنها قرار می‌داد و حتی قانون «وصایت» را برای مراقبت از آنها در برابر هرگونه بازخواست حقوقی و قضایی، دوبار اصلاح کرد و بلکه بخش‌هایی از نیروهای امنیت کشور را که در سرکوب مخالفان اسلامی و ایجاد «کشتارگاه»‌هایی برای شکنجه مخالفان نظام، حرفه‌ای شده بودند، مسئول مراقبت از آنها و خانواده‌ها و منازلشان کرد.

علاوه بر این، حجم فشار بر دینداری - حتی دینداری شکلی و شعائری- افزایش یافت؛ به گونه‌ای که مساجد پس از هر نمازی بسته می‌شدند و سازمان امنیت کشور، تعیین خطیبان و امامان جماعت مساجد در

وزارت اوقاف را در انحصار خود داشت و هر کسی که می‌خواست در ماه رمضان حتی برای یک شب اعتکاف به جا بیاورد، می‌بایست یک کپی از کارت شناسایی خود را به سازمان امنیت کشور می‌داد و بدین ترتیب او در لیست مظنونین قرار می‌گرفت تا هر وقت لازم شود او را بازداشت کنند. حتی حفظ قرآن در مساجد، فعالیتی ناپسند شمرده می‌شد و مجریان آن به سازمان امنیت کشور فراخوانده و با تهدید، تشویق و تطمیع روبه‌رو می‌شدند و گاهی هم برای یک دوره کوتاه یا بلندمدت، ورود آنها به مساجد ممنوع اعلام می‌شد.

در دوران نظام حسنی مبارک، احیای سنت‌های اسلامی و حتی اشکال دینداری از «مکروهات حکومت» قلمداد می‌شد؛ به گونه‌ای که همسر رئیس جمهور، تحمل دیدن حجاب و زنان محجبه را نداشت و وزارت اوقاف همه کوشش خود را صرف مبارزه با روبنده زنان کرد؛ کوششی که کمترین آن را، صرف مبارزه با یهودی‌سازی قدس و فلسطین نکرد.

نظام گذشته تمام تلاش خود را به کار بست تا منابع دینداری در مصر را بخشکاند و به جای آن جایگزین‌هایی را ایجاد کرد و قلوب و عقول مردم را با هنرهای نازل و پست و ترانه‌های مبتذل پر کند. آنها راه‌های حلال را به روی این جوانان بستند، و بی‌وقفه تلاش کردند تا جوانان را به راه‌های حرام سوق دهند.

در مجموع، می‌توان چنین نتیجه گرفت، یکی از دلایل اصلی وقوع انقلاب‌های مردمی در کشورهای اسلامی همین سیاست‌های ضداسلامی حاکمان مستبد و سرسپرده در تمامی عرصه‌ها بوده است، و در اینجا این مقدمه را با اشاره به سخن دکتر مصطفی محسن جامعه‌شناس مراکشی که یکی از گفتگوهای این کتاب نیز به وی اختصاص دارد به پایان می‌رسانیم. وی می‌گوید: «می‌توان نتیجه گرفت که این حمایت گسترده مردمی از اسلام‌گرایان در جوامع عربی نوعی پاسخ به برخی از نظریات و اندیشه‌های غربی و نوعی تأکید بر هویت جامعه است، گویی اینکه جوامع عربی عمدتاً

می‌خواهند به لحظه تمدنی کنونی بگویند که: من جامعه‌ای هستم با هویت عربی-اسلامی و اگر من با روی باز با غرب برخورد و از مسیرها و گرایش‌های مدرن غرب حمایت می‌کنم، اما در عین حال بر مرجعیت دینی و تمدنی‌ای که اساس و پایه آن اعتقادات اسلامی است، تأکید می‌ورزم».

والسلام

مقدمه مرکز

گفتگوهای تخصصی، شیوه‌ای از شناخت به شمار می‌آید که فاصله‌های طولانی را برای نزدیک شدن به حقیقت و دستیابی به آن به دور از پیچیدگی‌های مقدمات و سرگردانی در جزئیات، کوتاه می‌سازد. هم‌چنین این گفتگوها شیوه‌ای به شمار می‌آید که در بسیاری از اوقات به حل موضوعات پیچیده و مبهم کمک می‌کند.

نکته قابل ملاحظه در پرداختن به موضوعات بنیادین فکری آن است که اکثر این موضوعات از طریق تحقیق، پژوهش، همایش و میزگرد انجام می‌شود و کم و بیش می‌آید که از ابزار گفتگو در بررسی این موضوعات استفاده شود و یا یک موضوع از زوایای مختلف و از طریق مجموعه‌ای از سؤال‌های عمیق و از دید اشخاص مختلف با تخصص‌های گوناگون مورد موشکافی قرار گیرد. در چنین گفتگوهایی یک طرف گفتگو بر طرف دیگر حاکم نمی‌شود، بلکه فرآیند مشترکی است که می‌توان گفت هر طرف گفتگو هم‌زمان وظیفه ارسال و دریافت را انجام می‌دهند و این امر به این گفتگوها یک ارزش علمی ویژه‌ای می‌بخشد.

در تاریخ فکری قدیم و یا معاصر گفتگوهایی وجود دارد که با وجود گذر زمان هم‌چنان اهمیت خود را حفظ کرده‌اند و این گفتگوها ارزش خود را از محوریت اشخاصی که این گفتگوها با آنها انجام شده و یا نوع موضوعات و یا جدیتی که در پرداختن به موضوعات وجود داشته است، کسب کرده‌اند؛ از این رو بسیاری از این گفتگوها به سندی با اهمیت تبدیل شده است که پژوهشگر اگر بخواهد به شکل علمی به آن شخصیت‌ها و یا موضوعات بپردازد، نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد.

اگر به واقعیت فکری‌مان نگاه کنیم، مشاهده خواهیم کرد که بسیاری از این گفتگوها به مجرد یکبار مطالعه آنها، اهمیت خود را از دست می‌دهند؛ چه بسا به این دلیل که آنها بسیاری از عوامل بقا و تداوم را ندارند.

در مرکز نداء^۱ تلاش می‌کنیم تعدادی از موضوعات بااهمیت‌تر را به ویژه در زمینه دینی و فکری از طریق گفتگوهای مستقیم با متخصصان آن زمینه‌ها مورد بررسی قرار دهیم و تلاش می‌کنیم آنچه که ارزش علمی این گفتگوها را از انتخاب میهمانان گرفته تا موضوعات و نوع سؤالات مطرح شده حفظ می‌کند، رعایت کنیم.

اولین گام را در این مجموعه از گفتگوها، از برجسته‌ترین رخداد در جهان عرب یعنی همان «بهار عربی» آغاز می‌کنیم که نادیده گرفتن آن و یا عبور از آن دشوار است و در بخش اول این کتاب به این بهار عربی از زوایای فکری تخصصی و چندجانبه اجتماعی، سیاسی، خیزشی و رسانه‌ای می‌پردازیم. امیدواریم این تلاش ما، در ارتقای نوع نگرش و تفکر خواننده عربی درباره این بهار عربی نقش داشته باشد.

اما بخش دوم کتاب را به گفتگوهای کوتاهی اختصاص دادیم که در آنها سؤالاتی به شکل گفتگو از تعدادی از شخصیت‌های مختلف دارای

۱. نداء، مرکزی غیرانتفاعی است که در زمینه پژوهش‌های دینی و فقهی و اندیشه اسلامی فعالیت می‌کند و مقر اصلی آن در شهر ریاض عربستان قرار دارد. این مرکز ایجاد یک گفتمان دینی معتدل را جزو اهداف خود معرفی کرده‌است. (مترجمان)

تخصّص‌ها و پیشینه‌های فکری گوناگون در کشورهای مختلف پرسیده شد و خواننده می‌تواند از این رهگذر مقایسه‌ای را میان شیوه‌های تفکر پاسخ‌دهندگان به این سؤالات و پاسخ‌هایی که گاهی مشابه هم و گاهی مخالف هم است، انجام دهد؛ به گونه‌ای که در این موضوعات ممکن است مسائلی را کشف کنید که هم‌چنان نیاز به گفتگو، بررسی و نظریه‌پردازی بیشتری دارد.

از آنجا که موضوع این مجموعه گفتگوها «بهار عربی» است؛ چهار سؤالی که در این گفتگوهای کوتاه درباره این موضوع مطرح شده است، عبارتند از: «چه عاملی منجر به شکل‌گیری این انقلاب‌ها شد؟ چه چیزهایی در این انقلاب‌ها بیشتر جلب توجه می‌کند؟ نگرانی‌ها چیست؟ پیشنهاد و یا نگاه آینده‌نگر چیست؟»

پیش از اتمام این مقدمه دوست داریم اشاره کنیم که این کتاب، سری اول از گفتگوهای مرکز نما است و به یاری خداوند در آینده در مجموعه دیگری از این گفتگوها به موضوعات محوری دیگری (فکری و دینی) خواهیم پرداخت.

مدیر مرکز
یاسر بن ماطر مطرفی

بخش اول

گفتگوهای پس از انقلاب

گفتگوهای تخصصی با: دکتر سمیر ابو زید (مصر)، دکتر نصر عارف (مصر)، دکتر مصطفی محسن (مراکش)، دکتر محمود ذوادی (تونس)، دکتر یحیی یحیاوی (مراکش) و دکتر حسن مکی (سودان)



انقلاب‌های عربی... پرسش خیزش:

گفتگو با اندیشمند و فیلسوف دکتر سمیر ابوزید

مقدمه گفتگو

پیشگامان خیزش (نهضت)^۱ در قرن نوزدهم تلاش‌های متنوع و متعددی را در تعامل با مشکل تمدن و پاسخ به این مشکل ارائه دادند و این امر نتیجه آگاهی از اوضاع مصیبت‌باری بود که جهان اسلام به آن گرفتار شده بود اما آنها در نگرش‌های خود درباره تحقق بیداری جهان اسلام دچار اختلاف‌نظر شدند. بر این اساس جمال‌الدین اسدآبادی معتقد بود که راه تحقق بیداری جهان اسلام در تأسیس «جامعه اسلامی» است و منظور وی آن «ارتباطی بود که میان مسلمانان سرزمین‌های مختلف از جمله ایرانیان و ترک‌ها و عرب‌ها پیوند برقرار می‌کرد». شیوه وی در تحقق این امر توسل به زور و خشونت بود؛ به گونه‌ای که وی می‌خواست در داخل علیه پادشاهان و حکام انقلاب نماید و آتش قیام ملت‌ها را بر ضد خارج شعله‌ور سازد. اما شیخ محمد عبده در این مسأله آرام و نرم عمل می‌کرد و می‌خواست این جامعه اسلامی را از طریق آموزش و پرورش محقق سازد. اما عبدالرحمن کواکبی به جمال‌الدین اسدآبادی نزدیک‌تر بود و در مبارزه با حکام انعطاف‌ناپذیرتر بود و در

این زمینه کتاب «طبائع الاستبداد» و «ام القرى لرسم خطة الجامعة الإسلامية» را تألیف کرد.

آنچه توجه خواننده محقق امروزی را هنگام مراجعه به متون پیشگامان اولیه خیزش جلب می‌کند، تلاش‌های فکری انجام شده از سوی آنها برای رویارویی با اوضاع تمدنی حاکم در آن زمان و نیز وسعت تأثیر آن تلاش‌ها در وقوع تغییراتی است که در زمان اندکی به شکل نسبی در جهان عرب رخ داد، اما آنچه هنگام مراجعه مجدد به این متون بیش از همه جلب توجه می‌کند حفظ استدلال‌های بی‌نظیر آنهاست. تفکر نهضتی جدید پیچیدگی دلایل عقب‌ماندگی مسلمانان را درک کرد و برای حل این دلایل به سه مسأله خوانش اصول، تفسیر سنت و نقد مدرنیته توجه کرد. هم‌چنین برخی از این گرایش‌ها تلاش کردند تا روش‌های سنتی را در نگاه به این سه محور احیا نمایند و برخی از گرایش‌های دیگر تلاش کردند، تا روش ساخت هویت اسلامی معاصر را از طریق روش معرفت‌اسلامی یا روش تمدنی و یا روش عینی و یا سیاسی احیا کنند.

پیش‌تر کواکبی در کتاب مشهورش «طبائع الاستبداد و مصارع الاستبعاد» یادآوری کرد که «در ابتدا لازم است امت را نسبت به دردهای استبداد بیدار کرد و سپس باید او را به جستجو در اصول و قواعد اساسی سیاست مناسب آن واداشت؛ به گونه‌ای که این کار، به دغدغه اصلی تمامی اقشار و گروه‌های امت تبدیل شود». کواکبی در کتاب خود به نظام فرهنگی که مستبد را تولید می‌کند؛ توجه زیادی نکرد بلکه به نقد این ابزار استبدادی پرداخت. به نظر وی کارکرد عجیب این ابزار استبدادی آن است که حکومت‌شوندگان را خوار کرده و آنها را به گله گوسفندی که فقط باید بشنوند و از دستورات مستبد تبعیت کنند؛ تبدیل می‌کند. به گفته کواکبی این مستبد «با اراده خود و نه با اراده مردم بر امور آنان مسلط می‌شود و با امیال خود و نه با شریعت مردم بر آنان حکومت می‌کند و خود را غاصب و تجاوزگری می‌داند که باید

پاشنه پای خود را بر دهان میلیون‌ها انسان قرار دهد و دهان آنها را از گفتن حق و یا مطالبه حق ببندد».

انقلاب‌های عربی اعتماد به نفس عرب‌ها را به آنها بازگردانده است و مقوله تن دادن عرب‌ها به استبداد را منسوخ کرده و روح کواکبی و توصیه‌های او را در آغاز قرن بیستم زنده کرده است. باید گفت این انقلاب‌های پرفروغ با نگرش معینی به جهان مرتبط است و از تجلیات آن در جامعه سیاسی جدا نمی‌شود. بنابراین واقعیت مردم را افکار آنها درباره گوهر هستی و فلسفه وجود می‌سازد، حتی اگرچه آنها موفق به بیان این مسأله با اصطلاحات فلسفی و یا سخنرانی‌های فکری پیچیده نشوند.

انقلاب در بُعد خیزشی آن تحکیم ارزش‌های آرمانی است؛ ارزش‌هایی که به مثابه چشم‌اندازی است که آگاهی و عمل بشری را به حرکت در می‌آورد. انقلاب تحکیم انسانیت وجود بشری و کرامت او به‌عنوان یک موجود آگاه، آزاد، اخلاقی و بازیگری آزاده است که ارزش آزادی و عدالت و رهایی یافتن از جبر فکری و سیاسی در او ریشه دوانیده است. از اینجاست که هیچ نهضت و خیزشی برای فرد و یا جامعه بشری وجود ندارد، مگر با آزادی از مانع استبداد با معانی فراگیر آن، خواه این استبداد فرهنگی باشد، خواه سیاسی و یا اقتصادی. این همان غل‌وزنجیرهای مستحکم در برابر حرکت نهضت و آزادیخواهی است که انقلاب‌های عربی آن را از میان برداشتند. بنابراین، این اندیشه جدید انقلابی در عمق تمدنی و ساختاری‌اش، چیزی جز حرکت برای آزاد ساختن پتانسیل‌ها و توانایی‌های نوآورانه انسان عربی و مسلمان نیست تا وی نقش مثبت خود را در این تمدن بازیابد و او را از انسانی که صرفاً دارای برخی حقوق است، به موجودی تبدیل کند که حقوق و تکالیف را با هم ارج می‌نهد.

عرب‌ها دهه اول قرن بیست‌ویکم را در حالی پشت سر می‌گذارند که با خود شکست‌ها و ناکامی‌هایی را که بیش از صد سال از نهضتی که محقق نشده است، حمل می‌کنند. این در حالی است که در طول قرن گذشته سؤال

نهضت‌خواهان و خیزش‌طلبان اولیه درباره از بین بردن استبداد و تحقق آزادی و پیشرفت، بی‌پاسخ باقی ماند. به چه دلیل ما عقب ماندیم و دیگران پیشرفت کردند؟! این پرسش در رأس پرسش‌های این «خیزش» باقی ماند؛ خیزشی که از اواخر قرن نوزدهم تا درخشش فجر «بهار عربی» در تونس و پس از آن در مصر و دیگر کشورهای عربی که در مسیر تکمیل بهار عربی‌شان قرار دارند، به نظریه‌پردازی نخبگان تکیه داشت. هم‌چنین برای این پرسش آن حرکت روبه‌جلویی که پس از «شوک ناپلئون» از قاهره آغاز شد و به شام و شمال غرب آفریقا کشیده شد، و ملت‌های عربی بر ضد «ظلم» قیام کردند و خواهان «عدالت» شدند (و این یک تمایل فطری است که زندگی فقط با آن سامان می‌یابد و کشورها فقط بر ستون‌های آن برپا می‌شوند)، به وجود نیامد. شاید ریشه‌های این «عقب‌ماندگی» که روشنفکران عرب در طول صد سال گذشته با اعتقاد به پیشرفت در الگوی غربی مطرح کردند، ریشه‌های واقعی نبوده است؛ زیرا دلایل اصلی در پشت شعارهای انقلاب پنهان ماند، به‌گونه‌ای که «درخواست‌های اجتماعی» کنار گذاشته‌شد و جای آن را «درخواست‌های سیاسی» و در رأس آن «عدالت» و برکناری «دولت ظلم» گرفت؛ به این اعتبار که این سرآغازی برای پیروزی جدید عربی به سمت پیشرفت تمدنی، بشری و احترام جهانیان به شهروند عربی است.

مرکز نماء در این گفتگو میزبان دکتر سمیر ابوزید یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان عرب است که دیدگاهی علمی به خصوص در فلسفه علم و فلسفه تمدن دارد و با گفتمان دانشی و نگرش علمی‌اش شناخته می‌شود. هم‌چنین علائق و اهتمام ایشان به مسأله نهضت و خیزش، وی را به یکی از متخصصان برجسته تبدیل کرده است که نسبت به پیش‌شرط‌های خیزش عرب‌ها و مسلمانان آگاهی داشته و از او فردی ساخته است که به پرسش چگونگی احیای درخشش تمدن عربی - اسلامی اهتمام و توجه فراوانی دارد. هم‌چنین او از سال ۱۹۹۰م عضو انجمن فلسفه مصر و بنیان‌گذار و مدیر سایت فلاسفه عرب است. دکتر سمیر علی جایزه «مهم‌ترین کتاب

عربی» را با نگارش کتاب «علم و نگاه عربی به جهان» که از سوی مؤسسه فکر عربی در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، به دست آورد. هم‌چنین وی نگارنده کتاب «انقلاب‌های مردمی عربی و چالش‌های ایجاد دولت جدید» است که قرار است در سال ۲۰۱۱م چاپ شود.

این گفتگو با هدف تحلیل انقلاب‌های عربی در یک چارچوب روش تفکر کلی به‌عنوان یک رویکرد تلفیقی که با رویکرد جزء‌محور در تعارض قرار دارد، صورت می‌گیرد. در این رویکرد تلفیقی تمامی ابعاد و عناصر اندیشه خیزش در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین هدف از این گفتگو ارائه یک بازنگری نقادانه درباره اندیشه خیزش در پرتو تحولات، انقلاب‌ها و انتفاضه‌های مردمی است؛ بازنگری‌ای که واقعیت را نادیده نمی‌گیرد بلکه با تکیه بر آگاهی، ارزیابی و تحلیل نقادانه تحولات و تغییرات و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آنها بر اندیشه، به آینده نظر دارد.

انقلاب‌های عربی و تفکر دوباره در طرح خیزش

نماء: دکتر سمیر ابو زید آیا ضروری نمی‌بینید که طرح احیای خیزش عربی در پرتو واقعیت‌های جدید از سر گرفته شود و مبلغان این طرح براساس داده‌های جدید الهام گرفته از حرکت عظیم مردمی در منطقه عربی در ساختار نظری این طرح بازنگری کنند؟

دکتر سمیر ابوزید: طبیعتاً با آغاز قرن کنونی که شاهد تحولات ریشه‌ای و بنیادین در سطح تفکر بشری است، تحولات دنباله‌دار فعلی در تمام کشورهای عربی تأثیر زیادی بر بازنگری در تصوّر اتمان درباره طرح خیزش عربی و احیای آن برجای خواهد گذاشت. اما تشخیص صحیح باید براساس ارزیابی مجدد دوره گذشته باشد که با اوایل سده نوزدهم میلادی آغاز و عملاً در اوایل قرن بیست و یکم میلادی به پایان رسید.

نماء: به نظر شما به چه دلیل خیزش عربی - اسلامی معاصر در تحقّق آرزوها و آرمان‌های امت شکست خورد؟ و آیا می‌توان انقلاب‌های عربی را بازگشت به رؤیای اصلاح‌طلبانه اوایل قرن نوزدهم دانست؟

دکتر سمیر ابوزید: برای پاسخ به این سؤال باید در اذهانمان روشن شود که مراحل خیزش در هر جامعه بشری چگونه شکل می‌گیرد؛ هر خیزشی به اختصار سه مرحله را پشت سر می‌گذارد:

مرحله اول: مرحله تلفیق به معنای الهام از تمدن دیگر و تلاش برای سازش میان این تمدن و تفکر فردی است.

مرحله دوم: همان نقد است؛ به معنای نقد ریشه‌ای خود برای کشف جنبه‌های عدم هماهنگی میان تفکر فردی و واقعیت کنونی است.

مرحله سوم: همان طرح تصوّرات نظری لازم برای حل مشکل عدم هماهنگی و در نتیجه ارائه یک تفکر نوآورانه و خلاق جدید است که از بعد نظری بر تمدن خود و تمدن‌های معاصر دیگر بدون تقلید از هیچ‌یک از آن دو تمرکز دارد.

آنچه ما امروز آن را انقلاب‌های عربی و یا بهار عربی می‌نامیم تنها تعبیری از پایان مرحله اول و دوم و ضرورت وارد شدن قدرتمندانه به مرحله سوم و طرح تصوّرات نوآورانه لازم برای تحقّق این خیزش است. در این چارچوب اگر ویژگی اندیشه خیزش عربی را در حفظ تمایز نگاه آن به جهان در مقابل نگاه مدرن غربی که تقریباً تمام جهان را درنوردیده و آن را به «بحران مدرنیته» رسانده است، بدانیم؛ نتیجه ارزیابی دو مرحله قبلی خیزش جدید عربی منفی نیست بلکه (چه در سطح دستاورد و یا دوره زمانی) مثبت است.

نماء: با آغاز انقلاب‌های عربی، گفتمان جدیدی حاکم شد که به مقولاتی که کواکبی در کتاب طبائع الاستبداد و یا اسدآبادی در رویارویی با طرح‌های تجزیه‌طلبانه مطرح کردند، نزدیک‌تر است؛ به نظر شما مهم‌ترین

این مقوله‌های محوری که در دوره کنونی می‌توان از آن الهام گرفت، چیست؟ افکاری که به نظر شما همچنان کارآمدی تفسیری دارند و می‌توان بر روی آنها پایه‌ریزی کرد و آنها را در چشم‌انداز مرحله آینده توسعه بخشید، چیست؟

دکتر سمیر ابوزید: کواکبی و اسدآبادی به مرحله اول تفکر خیزش عربی و یا (خیزش عربی- اسلامی) نوین که مرحله تلفیق عقاید گوناگون است، تعلق دارند. هر دوی آنها موفق شدند در آن زمان توجهات را به ارزش «آزادی» (فرد و جامعه) غربی و اهمیت ادغام آن در تفکر سیاسی عربی- اسلامی که فاقد تصوّرات نظری درباره این مفهوم بود، جلب کنند (دلایل فقدان این تصوّرات نظری، به سرشت پیدایش و تکامل دولت سنتی اسلامی ربط داشت و در اینجا مجالی برای ذکر آن نیست).

تلاش این دو و دیگران تأثیر آشکاری در پیشرفت سیاسی جهان عرب چه در مصر در دوران انقلاب «عربی» و پس از آن و یا حتی در مناطق دیگر عربی که به تدریج به اشغال درآمده بودند، بر جای گذاشت.

اما اکنون ما نیازمند یک نظریه عربی- اسلامی برای «آزادی» هستیم که از پیشرفت بشری غرب (نظریه لیبرالیسم) و تمدن عربی- اسلامی (ارزش‌های اجتماعی) استفاده کند. اگر موفق شویم چنین نظریه‌ای را ارائه دهیم، جوامع عربی معاصر خواهند توانست ثمره انقلاب‌های خود را با تشکیل دولت‌های نوین عربی که تضمین‌کننده آزادی، فردگرایی (همگامی با عصر خود) و در عین حال ارزش‌های اجتماعی (حفظ هویت خود) باشد، بچینند. این مسأله به هیچ وجه آسان نیست و نیازمند تمرکز تلاش‌ها بر آن است.

در مقابل، حوادث کنونی مصر و تونس (در دیگر کشورها نیز اگر در همین مسیر حرکت کنند، این اتفاقات خواهد افتاد.) میان کشمکش مستمر بین آگاهی نخبگان وابسته به تفکر مدرنیته (که هدف آنان همگامی با عصر خود است) و میان ناآگاهی اجتماعی (که هدف آن حفظ هویت خود است) ادامه خواهد یافت.

نماء: در کتاب خود با عنوان «علم و شروط خیزش» به‌ویژه در فصل «ساختار اجتماعی برای بینش علمی» به اهمیت ارتباط میان علم و جامعه پرداختید و خاطر نشان کردید که علم نشان‌دهنده یک فعالیت اجتماعی است. هم‌چنین گرایش‌های نوینی را که علم را نه به‌عنوان یک فعالیت بی‌طرفانه بلکه آن را به‌عنوان بیانی از یک نگرش معین به جهان و ناشی از یک فرهنگ مشخص می‌دانند، معرفی کردید و توضیح دادید که چگونه جامعه بر علم و چگونه علم بر جامعه تأثیر می‌گذارد؟ هم‌چنین وظیفه علم را در جامعه که ممکن است براساس اختلاف فرهنگ‌ها متفاوت باشد، روشن ساختید؛ به‌گونه‌ای که تأکید کردید هدف نهایی اثبات این مسأله است که این خیزش تنها در صورتی ممکن است تحقق یابد که یک خیزش علمی باشد. سؤال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا ورود به عصر خیزش را آغاز کرده‌ایم؟ به این معنا که آیا ما نیازمند تدوین یک طرح خیزش جدید هستیم؟ یا نیازمند بازسازی طرح‌های قبلی خیزش هستیم؟ یا این که نیازمند یک گفتمان جدید خیزشی هستیم؟ و یا اینکه این امر از این هم فراتر رفته و از طریق تلاش برای تأسیس یک نگرش عربی به جهان در عقل انسان معاصر عربی و هماهنگ کردن دوباره وی با اصالت و هویت تمدنی خود، انجام می‌پذیرد و در نتیجه تلاش می‌شود تا شروط خیزش آن گونه که ادبیات علمی و طرح فکری شما به آن اشاره دارد، محقق گردد؟

دکتر سمیر ابوزید: زاویه دیگری برای نگاه به مشکل خیزش وجود دارد و آن زاویه پیشرفت تمدنی است. طبق گفتهٔ اسؤالد اشپنگلر و به نقل از عبدالرحمن بدوی «تمدن از یک مسیر دایره‌ای بسته عبور می‌کند: تفکر از عقیدهٔ دینی آغاز می‌شود، سپس عقل در قالب فلسفه آزاد می‌شود، سپس به شکل علم تجربی در می‌آید و پس از آن به عقل عملی تبدیل می‌شود؛ یعنی به ابزار (تکنیک) مبدل می‌شود».

بر این اساس ما اکنون در مرحله آزادی از سیطره تفکر دینی (سنت) و تلاش برای طرح تصوّرات فلسفی هستیم. این مرحله باید با اصول اولیه

تفکر علمی همراه شود و این همراهی نباید از طریق تقلید از علم نوین غربی باشد بلکه باید از طریق ارائه یک تفکر علمی هماهنگ با نگاهمان به جهان به‌عنوان یک مشارکت‌کننده فعال و مؤثر در تفکر علمی بشری معاصر باشد (در اینجا جزئیات زیادی درباره سرشت این علم وجود دارد که پرداختن به آن در این مجال نمی‌گنجد).

خلاصه سخن این است که ورود تفکر عربی معاصر به مرحله تفکر علمی، شرط لازم برای ادامه روند تحول تمدنی و پیروزی طرح خیزش است، مثال آن در این زمینه همانند شرط ظهور یک تفکر سیاسی جمعی هماهنگ با نگاهش به جهان است. برای تضمین تحقق این هماهنگی از نظر منطقی، تدوین و تأسیس مجدد نگرش عربی به جهان در ناخودآگاه جمعی عرب‌ها لازم است.

نمء: این خیزش نوعی خودآگاهی به شمار می‌رود و این مقدمه‌ای برای هر موجودی است که می‌خواهد حرکت کند و توانایی‌های ذاتی خود را برانگیزد و این توانایی‌ها را در عمل به کار بندد. منظور ما از خودآگاهی ادراک شخصیت تمدنی و اصول آن و تلاش برای تعمیق احساس به هویت خود است، اما با اجتناب از افتادن در دام در خود فرورفتن. بر این اساس برخی از متفکران بر این باورند که هیچ خیزشی برای جهان اسلام خارج از شرط آگاهی آن نسبت به خود یعنی خارج از اصول تمدنی ذاتی آن قابل تصور نیست. از سوی دیگر شما در آثار علمی خود به موضوع این هماهنگی توجه کرده‌اید؛ آیا می‌توان گفت انقلاب‌های عربی نوعی آگاهی در مسیر هماهنگی مجدد نگاه عربی - اسلامی به جهان، هستی، دولت و انسان است؟

دکتر سمیر ابوزید: براساس تصورات علمی به نفس بشری، روشنفکران احساس «آگاهی» به خود را بیان می‌کنند؛ در حالی که عموم جامعه از «ناآگاهی» ذاتی سخن می‌گویند. بر این اساس می‌توان به انقلاب‌های عربی به‌عنوان انقلاب‌هایی نگاه کرد که بیان‌کننده یک موضع معین نسبت به

ناآگاهی اجتماعی است و مفاد آن رسیدن مرحله کنونی به انتهای خود و ضرورت آغاز مرحله جدید است.

ناآگاهی اجتماعی بیانگر تصوّرات و یا مواضع فکری و فلسفی معینی نیست، بلکه بیانگر هویت تمدنی و نگاه آن به جهان به شکل جامع از طریق دیدگاه‌های عمومی جمعی (همچون هم‌نوا نشدن با نظام‌های عربی گذشته و یا قیام برای درخواست تغییر نظام‌های کنونی و یا تظاهرات برای تضمین هویت عربی _ اسلامی و...) است.

اما تعیین شیوه ایجاد هماهنگی مجدد میان نگرش عربی به جهان و میان هستی، دولت و انسان، وظیفه نخبگان روشنفکری است که نقش آگاهی بخشی به جامعه را ایفا کرده و قادر به ارائه راه‌حل‌های معین و تعامل با مشکلات مستقیم هستند. آنچه «خودآگاهی تمدنی» نامیده می‌شود، در اینجا با قدرت در سطح حرکت جامعه به‌عنوان یک کل بیش از سطح نخبگان روشنفکر ظاهر می‌شود. از این رو بسیار گفته می‌شود که در انقلاب‌های عربی، مردم، نخبگان روشنفکر را پشت سر گذاشتند و این مردم بودند که صحنه را رهبری می‌کردند.

انقلاب‌های عربی و بازسازی جهان اندیشه‌ها

نماء: دکتر جاسم سلطان در طرح خیزش خود، درباره دلایل انحطاط تمدنی امت سخن می‌گوید و این دلایل را در متلاشی شدن ساختار و ترکیب این جهان‌ها خلاصه می‌کند، به این معنا که امت عناصر عمل تمدنی خود را گم کرده است. بر این اساس آیا ممکن است شاهد رستاخیز جدیدی برای جهان اندیشه‌ها باشیم، به گونه‌ای که محتوای آن مشارکت این انقلاب‌ها و پیامدهای آن در بازسازی ساختار ارزشی، فکری و شناختی تشکیل دهنده تفکر شخصیت مسلمان باشد و سپس جهان اشخاص که شیوه‌ای از روابط اجتماعی است و میان افراد جامعه ارتباط برقرار می‌کند و پیوندهای وحدت میان اعضای آن جامعه را تقویت می‌کند، به وجود آید و در پایان، جهان

اشیاء که حوزه حقیقی عمل تمدنی است و مرحله رشد در چرخه زندگی امت را به تصویر می‌کشد، خلق شود؟ به عبارت دیگر آیا این انقلاب‌ها توانایی بازسازی آنچه را که «مالک بن نبی» اندیشمند اسلامی در نوشته‌های خود، جهان‌های سه‌گانه امت یعنی جهان اندیشه‌ها، جهان اشخاص و جهان اشیاء نامید، دارند؟

دکتر سمیر ابوزید: من در این زمینه با بخش زیادی از روشنفکران مخالف هستم. اگر درگیری تمدنی موجود بین طرح تمدنی عربی - اسلامی جدید و تمدن جدید غرب را مد نظر قرار دهیم، طرح تمدنی عربی - اسلامی جدید، مراحل طبیعی خود را سپری می‌کند. اگر فشارهای نیرومندی که به این تمدن در اوج قدرت جوانی خود در سده‌های ۱۹ و ۲۰ وارد شد، نبود؛ نتایج به مراتب بهتری از آنچه اکنون محقق ساخته است، رقم می‌زد (برای تأیید این مطلب می‌توان به ادبیات پسا استعماری^۱ مراجعه کرد).

بدون افتادن در جبر تاریخی، اکنون تمام شرایط برای انسان عربی (که به تمدن عربی - اسلامی وابسته است) برای تحقق ابزارهای تمدنی لازم (جهان اندیشه‌ها، جهان اشخاص، جهان اشیاء) فراهم است. زیرا این انسان اندوخته‌های زیادی از تجربه نوین غرب کسب و انباشته کرده است (میان علم ما به تجربه غرب در زمان حاضر و اوایل قرن بیستم و نیز عدم وجود حتی یک دانشگاه عربی در آغاز این قرن مقایسه کنید). هم‌چنین گام‌های بلندی در نقد میراث تمدن عربی - اسلامی برداشته است (پذیرش نظام دموکراتیک از سوی گرایش‌های گوناگون اسلامی یکی از مثال‌های بارز در این زمینه است). این انسان اکنون در مرحله شکل‌دهی دوباره به نگاه خود به جهان به منظور مقدمه‌سازی برای ورود به مرحله نوآوری‌های فکری و علمی است. تداوم این نگاه و عدم تجزیه و انحلال آن تحت فشار تمدن غرب، بدون تردید بنیانی قوی برای ورود به این مرحله است. این مسأله اکنون در گرو میزان پذیرش نخبگان روشنفکر و تمایل آنها در انجام

1. Post-Colonialism